



جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی

شماره گزارش: ۳۰

ردیف: ۱۰

دوره دوازدهم - سال دوم

تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۰۶/۱۵

گزارش کمیسیون اصل نود درخصوص «آسیب شناسی مدیریت منابع آب کشور»

در اجرای ماده (۱۰۱) آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی

معاونت نظارت

اداره کل دفتر اجرایی کمیسیون اصل نودم (۹۰) قانون اساسی

شماره: ۹۰/۱۸۷۵۸۵۴/۷۹۹۸

تاریخ: ۱۴۰۴/۰۶/۱۶

هیأت رئیسه محترم مجلس شورای اسلامی

سلام علیکم

با احترام، در اجرای قانون نحوه گزارش کمیسیون اصل (۹۰) قانون اساسی مصوب ۱۳۶۶/۰۹/۰۳ مجلس شورای اسلامی و ماده (۱۰۱) آئین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، به پیوست گزارش تهیه شده با موضوع «آسیب شناسی مدیریت منابع آب کشور» که در جلسه عمومی مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۰۷ این کمیسیون به تصویب رسیده است برای قرائت در اولین جلسه علنی مجلس شورای اسلامی، تقدیم می شود.

نصراله پژمان فر

رئیس کمیسیون

به: نمایندگان مجلس شورای اسلامی از: کمیسیون اصل نودم (۹۰) قانون اساسی

موضوع: آسیب شناسی مدیریت منابع آب کشور

مقدمه

استحضار دارید که کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی از شهریورماه سال ۱۴۰۰، آسیب شناسی مدیریت منابع آب کشور را در دستور کار خود داشته است. این آسیب شناسی به علت «شکایات متعدد مردم، کارشناسان و نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی، همچنین به دلیل شبهه سوء مدیریت و عدم انجام تکالیف قانونی که منجر به بحرانی تر شدن وضعیت آبخوان های کشور و فرونشست زمین در تعداد زیادی از دشت های ممنوعه شده و نیز وجود تعداد زیادی از سدهای ساخته شده فاقد منابع آبی کافی» آغاز گردید و با بکارگیری بیش از ۱۵ نفر از مدیران و کارشناسان خبره بازنشسته وزارت نیرو و اساتید دانشگاه ها در سه بخش «آبهای زیرزمینی»، «آبهای سطحی» و «مدیریت منابع آب» انجام یافته است.

در این آسیب شناسی، ابتدا سعی شد تکالیف قانونی و بالادستی بخش آب وزارت نیرو در برنامه های توسعه چهارم، پنجم و ششم مشخص و با عملکرد وزارت نیرو مقایسه گردد. سپس وضعیت بحرانی موجود منابع آب واکاوی گردیده تا «چالش ها و کمبودها» و نیز «تخلفات احتمالی» تشخیص داده شود؛ و در انتها نسبت به ارائه راهکارهای لازم برای ایفای تکالیف قانونی اقدام گردید. اکنون خلاصه اقدامات و یافته های آسیب شناسی ارائه می شود:

الف) مهمترین اسناد بالادستی مدیریت منابع آب، در دوره زمانی مورد نظر، به شرح زیر می باشد:

۱- سیاست های کلی نظام در بخش آب؛ ۲- قانون توزیع عادلانه آب و آئین نامه اجرایی آن؛ ۳- تعیین تکلیف چاه های فاقد پروانه بهره برداری و آئین نامه اجرایی آن؛ ۴- قوانین برنامه های چهارم، پنجم و ششم توسعه (مربوط به بخش آب)؛ ۵- مصوبات کمیته تخصصی شورای عالی آب مورخ ۲۵ مهر ۱۳۹۳؛ ۶- قانون الحاق یک ماده به قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین.

ب) وزارت نیرو در سه برنامه مذکور، به موارد زیر مکلف بوده است:

کاهش ۲۵ درصدی کسری مخزن تجمعی دشت های کشور در برنامه های چهارم و پنجم که در ایفای این تکالیف به دلایلی که در ادامه اشاره خواهد شد، توفیق نداشته است. برای نمونه، میزان این تکالیف در برنامه ششم، کاهش ۱۱ میلیارد متر مکعب از کسری تجمعی بوده است. متأسفانه نه تنها این کاهش ها وقوع نیافته، بلکه اکنون در برنامه هفتم به ۱۵ میلیارد مترمکعب افزایش یافته است.

پ) خلاصه ای از وضعیت بحرانی منابع آب کشور به شرح زیر می باشد:

۱) از تعداد ۶۰۹ محدوده مطالعاتی در زمان انجام این مطالعه، ۴۱۰ محدوده ممنوعه و بحرانی بوده است.

۲) متوسط نسبت برداشت به آب تجدیدشونده سالیانه در کشور بیش از ۹۰ درصد می باشد. بر این اساس وضعیت فعلی منابع آب کشور، طبق دو شاخص جهانی مهم، شامل «شاخص تنش آبی» (WSI) و «طبقه بندی فالکن مارک»، به ترتیب «بحرانی شدید» و «تنش شدید با کمیابی آب» تلقی می گردد. البته در بسیاری از دشت ها این نسبت بیش از ۱۰۰ درصد است (برای نمونه در دشت مشهد این نسبت حدود ۱۷۰ درصد می باشد).

۳) این شرایط سبب شده تا متوسط افت سالیانه آبخوان های کشور، حدود ۵۵ سانتی متر، میانگین افت تجمعی ۵۰ ساله آبخوان های کشور، حداقل ۲۵ متر و کسری مخزن تجمعی ۱۵ ساله اخیر، حدود ۱۰۰ میلیارد متر مکعب گردد که در حال افزایش است.

۴) بر اساس مطالعات سازمان زمین شناسی کشور، در کلیه دشت های مهم در اغلب استان های کشور (حتی در استان های غربی که از بارندگی بهتری برخوردارند)، فرونشست زمین مشاهده می شود که مقدار آن از ۴ تا ۵ سانتی متر شروع و در بعضی از دشت ها مثل دشت علی آباد قم به ۷۰ سانتی متر می رسد. این میزان در دشت تهران-کرج به حدود ۳۰ سانتی متر می رسد. نتیجه فرونشست ها تاکنون، ایجاد شکاف های چند کیلومتری و فروریزش زمین در تعداد زیادی از دشت ها بوده است. استمرار فرونشست زمین، علاوه بر صدمه جدی به ساختمان ها و تأسیسات شهری، با توجه به وجود زیرساخت های مهم مثل خطوط طولی گاز و نفت، آب، خطوط ریل و جاده و شبکه های برق توانیر، می تواند عواقب خسارت بار و فاجعه بار در پی داشته باشد.

۵) وجود بیش از ۵۵۰ هزار چاه غیرمجاز (شناسایی شده) و اضافه برداشت از اغلب چاه های مجاز (در مجموع حدود ۱۵ میلیارد برداشت غیرمجاز)، نشانگر عدم توفیق مدیریت آب کشور در مهار برداشت های غیرمجاز است که از عوامل بحرانی شدن منابع آبی کشور می باشد.

ت) عملکرد وزارت نیرو در اجرای «طرح احیا و تعادل بخشی منابع آب زیرزمینی»

کمیته تخصصی و سپس شورای عالی آب در تاریخ ۲۵ شهریور ۱۳۹۳، مصوبه ای با عنوان «طرح احیا و تعادل بخشی منابع آب زیرزمینی» با ۱۵ پروژه برای کنترل بهره برداری و حفاظت از آب های زیرزمینی و برون رفت از بحران منابع آب داشته اند. از این موارد، ۱۱ پروژه مشروح زیر از تکالیف وزارت نیرو و سایر موارد تکالیف وزارت جهاد کشاورزی و سازمان زمین شناسی بوده است:

۱) توسعه و پیاده سازی مدیریت مشارکتی منابع آب؛

۲) پروژه اطلاع رسانی، آموزش و فرهنگ سازی؛

- ۳) اجرای توأمان آیین‌نامه مصرف بهینه آب کشاورزی و قانون تعیین تکلیف چاه‌های فاقد پروانه؛
 - ۴) تقویت و استقرار گروه‌های گشت و بازرسی؛
 - ۵) انسداد چاه‌های غیرمجاز و جلوگیری از اضافه برداشت منابع آب؛
 - ۶) نصب و بهره‌برداری از کنتورهای هوشمند حجمی؛
 - ۷) نحوه انسداد چاه‌های کم‌بازده کشاورزی؛
 - ۸) جایگزینی پساب با چاه‌های کشاورزی در دشت‌های ممنوعه؛
 - ۹) حفر ۵۲۰۰ چاه پیزومتر در دشت‌های کشور و تجهیز آنها؛
 - ۱۰) تهیه بیلان و بانک اطلاعاتی ۶۰۹ محدوده مطالعاتی بصورت برخط؛
 - ۱۱) نصب ۲۰۹۰۰ مورد تجهیزات اندازه‌گیری بر روی منابع آب، پیزومترها و چاه‌های اکتشافی؛
- اجرای پروژه‌های ۱۱ گانه فوق، قطعاً می‌توانست از تشدید بحران منابع آب جلوگیری کند.
- بررسی‌های کارگروه آسیب شناسی مستقر در وزارت نیرو و همچنین مطالعه اخیر اتاق بازرگانی ایران نشان می‌دهد علی‌رغم آنکه دستورالعمل‌های تهیه شده توسط دفاتر تخصصی ستاد وزارت نیرو کامل بوده و ابلاغ نیز گردیده است؛ اما شرکت مدیریت منابع آب از تامین اعتبار کافی برای اجرای این پروژه‌های مهم خودداری کرده است؛ به نحوی که می‌توان گفت هیچکدام از پروژه‌ها ۱۱ گانه طرح احیا و تعادل بخشی، مطابق دستورالعمل‌های ابلاغ شده وزیر نیرو، عملیاتی نشده است.
- بهانه اصلی برای عدم ایفای این تکالیف، عدم کفایت منابع مالی بوده، در حالی که وزارت نیرو همزمان مبالغ بسیار هنگفتی در سدسازی هزینه نموده است و فقط کافی بود که بخش کوچکی از این اعتبارات را به طرح احیا و تعادل بخشی اختصاص دهد. سایر دلایل عدم اجرای پروژه‌ها توسط شرکت مدیریت منابع آب ایران را می‌توان به شرح زیر برشمرد:
- ۱) عدم اعتقاد به پیاده‌سازی مدیریت مشارکتی و واگذاری کارهای تصدی‌گری به تشکلهای صنفی آب‌بران؛ از جمله واگذاری «تشکیل گروه‌های گشت و بازرسی، تهیه و نصب کنتور، برخورد با چاه‌های غیرمجاز، و اخذ هزینه حق‌النظاره» به این تشکلهای قابل ذکر است در دشت مشهد که کارهای تصدی‌گری طی تفاهم‌نامه به تشکلهای واگذار شده بود، تقریباً تمام چاه‌های مجاز با هزینه کشاورزان به کنتورهای هوشمند مجهز شدند؛ اما به علت عدم اجرای سایر بندهای تفاهم‌نامه توسط وزارت نیرو، تفاهم‌نامه در حال حاضر رها گشته است.
 - ۲) تعارض منافع در بخش آب یکی دیگر از دلایل عدم اجرای پروژه‌های مذکور بوده است. در واقع اجرای طرح احیاء و تعادل بخشی در مواردی باعث مخالفت اشخاص و نهادهایی می‌شود که در شرایط فعلی نفع می‌برند (از جمله شرکت‌های آب منطقه‌ای، به دلیل آب فروشی)؛ لذا منجر به عدم اجرای پروژه‌های فوق گشته است.

۳) دلیل دیگر «تعارض رویکردهای بخشی»، به ویژه میان بخش آب و بخش کشاورزی، است. برای نمونه «انسداد چاه‌های غیرمجاز و جلوگیری از اضافه برداشت چاه‌های مجاز» نه تنها مورد رضایت برای بخش کشاورزی نبوده است؛ بلکه آن را مخالف خودکفایی غذایی (یا امنیت غذایی) کشور می‌دانند. لذا در این خصوص همکاری لازم و صادقانه به عمل نمی‌آورند؛ حتی در مواردی، صاحبان چاه‌های غیرمجاز به دلیل بهره‌وری بالا در تولید محصولات کشاورزی، مورد تشویق قرار گرفته‌اند.

ث) برنامه سازگاری با کم‌آبی

نمایندگان محترم، همانگونه که مستحضرید در مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۱۲ بنا به پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های نیرو، جهاد کشاورزی، کشور، صمت و سازمان‌های حفاظت محیط زیست و برنامه و بودجه، طرحی با عنوان «سازگاری با کم‌آبی» با هدف تعادل‌بخشی به منابع آب از طریق محدود کردن مصارف به «آب قابل برنامه‌ریزی» (ابلاغ شده توسط وزارت نیرو، به تفکیک دشت‌ها و مصارف) در دستور کار قرار گرفت.

متأسفانه با آغاز طرح سازگاری با کم‌آبی، اجرای پروژه‌های طرح احیاء و تعادل‌بخشی بطور کامل رها گشت و به فراموشی سپرده شد (در حالی که انتظار می‌رفت «طرح احیاء و تعادل‌بخشی» که دارای ردیف بودجه و دستورالعمل‌هایی با جزئیات کافی بوده است، مورد تأکید قرار گیرد).

مصوبات سازگاری با کم‌آبی شامل موارد زیر بوده است: ۱- تشکیل کارگروه ملی و کارگروه‌های استانی سازگاری با کم‌آبی؛ ۲- اصلاح ترکیب اعضاء شورای حفاظت منابع آب زیرزمینی؛ ۳- ممنوعیت کشت برنج در استان‌های کم‌آب؛ ۴- کاهش مصرف آب فضای سبز و خدمات شهری؛ ۵- کنترل ساعت کارکرد مجاز به ویژه در چاه‌های کشاورزی؛ ۶- تأمین منابع مالی اجرای برنامه سازگاری با کم‌آبی؛ ۷- تأمین منابع مالی برای خرید حقایق کشاورزان جهت جبران کمبود آب شرب؛ ۸- محاسبه تعرفه مازاد بر الگوی کشت و الگوی مصارف شرب و بهداشتی؛ و ۹- برنامه سازی مناسب و اطلاع رسانی مستمر صداوسیما از وضعیت بحرانی منابع آب.

متأسفانه به جز بندهای ۱، ۲ و ۸ هیچکدام از مصوبات عملیاتی نشده است. این برنامه طی بیش از ۶ سال، هیچگونه توفیقی در دستیابی به دو هدف اصلی طرح نداشته است و این عدم توفیق در عمل، تشدید بحران را در پی داشته است. لذا کمیسیون طی نامه ای به وزارت نیرو خواستار تداوم اجرای پروژه‌های طرح احیاء و تعادل‌بخشی آب زیرزمینی شده است.

ج) بررسی امور جاری شرکت‌های آب منطقه‌ای

«در اجرای قانون توزیع عادلانه آب، آیین‌نامه‌های اجرایی آن و قانون تعیین تکلیف چاه‌های فاقد پروانه» کارگروه مستقر در وزارت نیرو از ۲۱ شرکت آب منطقه‌ای بازدید و چگونگی اجرای قوانین و ضوابط در مورد تعدادی از پرونده چاه‌های کشاورزی و شرب را در این شرکت‌ها بصورت تصادفی بررسی نموده است. متأسفانه

در کلیه این شرکت‌ها، اجرا و اعمال قوانین و ضوابط مهم و سرنوشت‌ساز در جلوگیری از بحران، به درستی رعایت نشده است. از مهم ترین این قصورات، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

(۱) عدم کنترل و نظارت کافی و تمرین بخش بر چاه‌های مجاز و غیرمجاز (عدم مراعات: ماده ۱۰ آیین‌نامه اجرایی فصل دوم قانون توزیع عادلانه آب و تبصره ذیل ماده ۱۱ همین آیین‌نامه).

(۲) عدم اجرای ماده ۱۳ قانون توزیع عادلانه آب و مواد ۲۱ تا ۲۳ آیین‌نامه اجرایی فصل دوم آن در ارتباط با شرکت‌های حفاری.

(۳) عدم رعایت کامل ماده ۱۳ آیین‌نامه اجرایی قانون تعیین تکلیف چاه‌های فاقد پروانه، در مورد جابجایی چاه‌ها به فواصل طولانی و عدم طرح پرونده در کمیسیون رسیدگی به صدور پروانه‌ها.

(۴) عدم رعایت کامل مفاد دستورالعمل‌های ابلاغی مربوط به گروه‌های گشت و بازرسی.

(۵) عدم رعایت کامل مفاد دستورالعمل ابلاغی مواد ۲۷ و ۲۸ قانون توزیع عادلانه آب و عدم کنترل فعال بودن چاه‌های کشاورزی در هنگام درخواست برای تغییر نوع مصرف (و قبل از انتقال چاه).

در یک بررسی کلی، می‌توان نتیجه گرفت که در حال حاضر شرکت مدیریت منابع آب ایران نظارت لازم در مورد چگونگی اجرا یا عدم اجرای قوانین و ضوابط بالادستی بر شرکت‌های آب منطقه‌ای ندارد؛ لذا این شرکت‌ها تقریباً بصورت خودمختار عمل می‌نمایند.

ج) آسیب‌شناسی منابع آب سطحی

کارگروه آسیب‌شناسی مستقر در وزارت نیرو در بخش آب‌های سطحی، سدهای ساخته‌شده و در دست بهره‌برداری، در حال اجرا و نیز در حال مطالعه را با دقت و با توجه به تمامی جزئیات، بررسی نموده است. نتایج این بررسی نشانگر روند توسعه سدسازی در ایران در سه دوره زمانی به شرح زیر است:

(۱) از ۱۳۳۰ تا ۱۳۶۰ بسیار کم در تعداد، ولی قابل توجه در مجموع حجم‌ها.

(۲) از ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۰ (عمدتاً توسط جهاد سازندگی) بسیار زیاد در تعداد، ولی با مجموع حجم بسیار کم.

(۳) از ۱۳۸۰ تاکنون بسیار زیاد در تعداد و قابل توجه در حجم‌ها.

در مجموع از تعداد ۷۱۷ سد احداث شده، ۲۹۶ سد با حجم ۴۵۳ میلیون متر مکعب (کمتر از نیم میلیارد متر مکعب) توسط وزارت جهاد سازندگی و تعداد حدود ۳۹۲ سد با حجم حدود ۵۳ میلیارد متر مکعب توسط وزارت نیرو اجرا شده است. بررسی‌ها نشانگر وقوع دو واقعیت زیر است:

(۱) میانگین تجدیدپذیری آبهای کشور طی سالهای گذشته مستمراً در حال کاهش بوده و در دهه اخیر از حدود ۱۱۴ به حدود ۷۰ میلیارد متر مکعب (در سال ۹۷-۹۸) رسیده است.

(۲) همچنین، ارزیابی داده‌های بهره‌برداری از ۱۹۰ سد بزرگ مخزنی کشور نشان می‌دهد این سدها طی دهه منتهی به ۱۳۹۸، حداکثر ۴۹٪ آبگیری شده‌اند.

علی‌رغم این دو واقعیت، سدسازی بدون توجه به تغییرات اقلیم و روند کاهشی منابع آب تجدیدپذیر کشور، همچنان در حال توسعه است. متأسفانه به دلایلی که اشاره خواهد شد، هم اکنون دهها سد دیگر با حجمی حدود ۴۸ میلیارد متر مکعب، در حال مطالعه و اجرا هستند. مجموع احجام سدهای ساخته و در دست اقدام، در قیاس با تجدیدپذیری منابع آب کشور (اعم از سطحی و زیرزمینی)، مایه شگفتی است. در هر حال، بطور خلاصه دلایل و ریشه‌های بحران مدیریت آبهای سطحی را می‌توان بشرح زیر برشمرد:

۱) عدم اجرای مدیریت یکپارچه منابع آب در حوضه‌های آبریز و پیاده‌سازی آن در ساختار وزارت نیرو و شرکت مدیریت منابع آب

۲) ضعف در مدیریت و تحلیل حاکمیتی اطلاعات پایه منابع آب که دقیق و روزآمد نبوده و نیز عدم توجه به روند تغییرات هیدرولوژیک (استفاده از داده‌های بلندمدت که برای شرایط کنونی ناموثق هستند).

۳) عدم توجه به «تأثیر سناریوهای تغییر اقلیم بر منابع آب» در پیش‌بینی شرایط هیدرولوژیک افق طرح‌ها.

۴) عدم رعایت ضوابط قانونی و آیین‌نامه‌ای در مراحل طراحی و اجرایی سدها؛ به این معنی که در بررسی مجوزهای لازم برای سدهای در حال احداث، مشخص گردید که در مجموع فقط ۲۶٪ مجوزها اخذ شده است. نتایج این بررسی‌ها نشان می‌دهد از ۸۵ سد در حال اجرا، اگر فرآیند قانونی اخذ مجوزها طی می‌شد، ۳۲ سد نباید به مرحله اجرا می‌رسیدند.

۵) گنجانده شدن طرح‌های سازه‌ای مدیریت آب‌های سطحی در صورتجلسات سفرهای استانی هیأت دولت، بدون طی نمودن مراحل لازم؛ در این رابطه ۹۵ سد در جلسات سفرهای استانی دولت گنجانده شده و متعاقب آن وزارت نیرو درخواست صدور مجوز ماده ۳۲ نموده است.

۶) دیپلماسی ضعیف آبی در حفاظت از حقایق‌های برون مرزی که باعث شده است در اغلب رودخانه‌های مرزی که کشور آب ورودی داشته، حقایق‌های ایران به درستی مد نظر قرار نگرفته‌اند.

۷) عدم اخذ مجوزهای زیست‌محیطی و عدم نظارت سازمان محیط‌زیست، که بررسی‌ها نشان داد از ۴۱ طرح در حال بهره‌برداری و ملزم به اخذ مجوز زیست‌محیطی، حدود ۸۰٪ (تعداد ۳۳۵ طرح) فاقد مجوز سازمان محیط‌زیست هستند.

۸) وجود چالش‌های مهم در نظام تخصیص وزارت نیرو، که نتوانسته جلوی ساخت تعداد زیادی از سدهای بدون تخصیص از وزارت نیرو را بگیرد و اکنون با صرف میلیاردها تومان اعتبار، این سدها بدون آب کافی بهره‌برداری می‌شوند.

۹) فقدان نظارت عالیه سازمان برنامه و بودجه؛ که موجب ساخته شدن سدهایی بدون توجه به پتانسیل آب‌های سطحی موجود، و بدون توجیه اقتصادی-اجتماعی شده است.

موارد متعدد دیگری را می‌توان از دلایل بحران مرتبط با آبهای سطحی نام برد؛ از قبیل: بحران‌های آبی ناشی از عدم توجه به پدیده فرونشست زمین، عدم برخورد با طراحان سدهای ناکارآمد (توسط کارفرمایان و سازمان

برنامه و بودجه) و طرح‌های انتقال بین حوضه‌ای بدون جامع‌نگری، که در اینجا با توجه به ضیق وقت از تشریح همه آنها خودداری می‌شود.

ح) آسیب شناسی مدیریت منابع آب کشور

آسیب شناسی مدیریت منابع آب کشور با دو هدف: یافتن علل و عوامل ناکارآمدی سیاست‌ها و برنامه‌های مدیریت آب کشور و معرفی راهکارهای مدیریتی برای خروج از بحران آب یا شناسایی فرصت‌های بهبود مدیریت منابع آب، البته همراه با اولویت‌بندی آنها انجام گرفته است.

برای انجام این مهم سعی گردید ارزیابی عملکرد مدیریت آب وزارت نیرو با رویکرد بررسی فرایندهای تخصصی مشروح در اساسنامه شرکت مدیریت منابع آب و شرکت‌های آب منطقه‌ای صورت پذیرد. وظایف و تکالیف تعریف شده در این اسناد، در ۹ معیار (و استخراج زیرمعیارها و شاخص‌هایی برای هر معیار) دسته‌بندی گردید. این ۹ معیار عبارت بودند از:

- ۱) انجام مطالعات شناخت، حفاظت، و بهره‌برداری منابع آب
 - ۲) حفاظت و بهره‌برداری از منابع آب (زیرزمینی و سطحی)
 - ۳) خرید خدمات و برون سپاری
 - ۴) بهره‌برداری و نگهداری از تأسیسات آبی
 - ۵) حفاظت و مهندسی رودخانه‌ها
 - ۶) مطالعه برای اجرای طرح‌ها و پروژه‌های آبی
 - ۷) تحویل آب بر اساس تعرفه مصوب
 - ۸) برنامه‌ریزی و تخصیص آب مورد نیاز بخش‌های مختلف
 - ۹) حفاظت کیفی منابع آب و مدیریت پساب
- آنگاه ارزیابی کارشناسی در سه سطح به انجام رسید:
- ۱) رویکرد (سیاست‌ها، ضوابط و برنامه‌ها)؛
 - ۲) پیاده‌سازی (اجرای کامل و نظام‌مند رویکردها)؛
 - ۳) نظام ارزیابی و اصلاح (مقایسه رویکرد با پیاده‌سازی و عبرت‌آموزی).

بر این اساس دو معیار «حفاظت و بهره‌برداری» و نیز «نگهداری از تأسیسات آبی» بیشترین امتیاز (معادل ۵۰) و دو معیار «برنامه‌ریزی و تخصیص آب» و نیز «حفاظت کیفی» کمترین امتیاز (معادل ۲۵) را کسب نموده‌اند. همانطور که مشهود است، متاسفانه امتیاز مدیریت آب در تمامی معیارهای ۹ گانه، برابر یا کوچکتر از ۵۰ است.

خ) پیامدهای آتی در صورت ادامه روند کنونی

نمایندگان محترم، مهم‌ترین پیامدها و عقوبات‌های آتی در صورت ادامه روند کنونی بشرح زیر خواهد

بود:

- ۱) کاهش کیفیت منابع آب زیرزمینی به هر دلیل، موجب از خارج شدن منابع آب از حیز انتفاع، به ویژه در تامین آب شرب خواهد شد.
- ۲) عدم دسترسی به اطلاعات و داده‌های کافی و شفاف از منابع و مصارف آب، مانعی جدی در جلب اعتماد گروداران و برقراری رویکرد مدیریت مشارکتی است؛ و ناتوانی در آن موجب تشدید تعارضات اجتماعی و عواقب ناخوشایند محیط‌زیستی خواهد گردید.
- ۳) عدم رعایت عدالت در تخصیص آب و ناتوانی در تامین مصارف راهبردی، در بلندمدت، ضربه شدید به اقتصاد ملی و امنیت آبی و غذایی کشور در پی خواهد داشت.
- ۴) ادامه بهره‌برداری از آب‌های زیرزمینی بدون توجه به ظرفیت طبیعی آبخوان‌ها، منجر به بحران‌های اقتصادی و اجتماعی و محیط‌زیستی شده و خواهد شد. همچنین موجب توسعه تخلفات آبی، فشار هرچه بیشتر بر آبخوان و تشدید مقاومت‌های اجتماعی در برابر برنامه‌های اصلاحی خواهد گردید.
- ۵) اخذ درآمد از تخلفات آبی (از قبیل دریافت جریمه برای اضافه برداشت از آب‌های زیرزمینی) با هدف تامین مالی سیستم‌های غیربهره‌ور دولتی موجب تشدید بحران آب‌های زیرزمینی خواهد شد.
- ۶) اجرای پروژه‌ها بدون داشتن توجیه اقتصادی و اجتماعی و بدون توجه به تبعات محیط‌زیستی، علاوه بر افزایش هزینه‌های بهره‌برداری و افزایش ریسک‌ها در بهره‌برداری خواهد شد.
- ۷) عدم توسعه مدیریت مشارکتی، موجب کاهش بهره‌وری و افزایش تعارضات اجتماعی و در نهایت تشدید بحران آب در دشت‌ها خواهد شد.
- ۸) بدون مشارکت جوامع محلی و آب‌بران مجاز، وزارت نیرو در حذف برداشت‌های غیرمجاز توفیق نداشته و ادامه این مسیر، منجر به تسری قانون شکنی و نیز تشدید برداشت‌های غیرمجاز و افت آبخوان گردیده و خواهد گردید.
- ۹) تحت فشارهای سیاسی و تداوم مدیریت متمرکز از بالا به پایین، بدون مدیریت حوضه‌ای و بدون استفاده از ظرفیت جوامع محلی، منجر به رواج روبه‌های بی‌قاعده شده و در نهایت به اضافه برداشت از آبخوان و تشدید بحران آب زیرزمینی در دشت‌های کشور گردیده و خواهد گردید.
- ۱۰) بی توجهی به جایگزینی پساب با چاه‌های کشاورزی در دشت‌های با بیلان منفی و به جای آن، جابجایی آب چاه‌های کشاورزی برای سایر مصارف، منجر به توسعه مصارف و منفی‌تر شدن بیلان آبخوان می‌گردد. روش‌های اقتصادی مغایر با پایداری منابع آب، با هدف کسب درآمد و ساخت تصفیه‌خانه‌ها، عملاً موجب زوال امنیت آبی و غذایی کشور خواهند بود.

د) راهکارهایی به منظور برون رفت از بحران کنونی

نقش توسعه نامتوازن شهری و صنعتی و تأکید بر خودکفایی در فشار بر منابع آب نباید نادیده گرفته شود. در حقیقت، اگر اهمیت حیاتی منابع آب در بقاء سرزمین و موقعیت گلوگاهی آب در پیشرفت کشور مورد توجه باشد، انتظار می‌رود تا برنامه‌های پیشرفت کشور ذیل «آمایش آب-محور» تعریف گردد. علاوه بر این اهم پیشنهادهای کلان برای برون رفت از بحران کنونی آب، بشرح زیر پیشنهاد می‌گردد:

۱) توسعه هماهنگی و همگرایی در شورای عالی آب از طریق اصلاح رویه فعلی شورا در جهت اثربخشی بیشتر این شورا در حکمرانی موثر آب:

۱-۲. هماهنگی حکمرانی میان متولیان دولتی آب، وظیفه اصلی شورا بوده که متأسفانه در انجام این امر ناموفق بوده است. در هر حال این هماهنگی و همگرایی حتی باید به قوه قضائیه و قوه مقننه نیز تسری یابد لذا پیشنهاد می‌گردد دبیرخانه این شورا به سازمان برنامه و بودجه واگذار شود.

۲-۲. افزایش توجه شورا به جوامع محلی، بخش خصوصی، دانشگاه‌ها و سازمان‌های مردم نهاد، ضروری است. لذا هماهنگی‌ها نباید محدود به نهادهای دولتی عضو شورا باقی بماند.

۲) لازم است در آینده تدوین سیاست‌های بخش آب، عطف به جهت‌گیری‌های زیر باشد:

۱-۲. ایجاد تعادل بین منابع و مصارف

۲-۲. توجه به اصول توسعه پایدار در تامین آب «قابل اعتماد در درازمدت» برای بخش‌های مصرفی

۳-۲. حفاظت و صیانت از منابع آب و توجه اکید به مصوبات پیشین شورا (از جمله پروژه‌های طرح احیاء و تعادل بخشی آبهای زیرزمینی)

۴-۲. ارتقاء حضور و مشارکت بهره‌برداران در مدیریت منابع آب

۵-۲. اصلاح ساختار اقتصاد آب با تأکید بر نقش بازارهای شفاف و رقابتی

۶-۲. ارتقاء بهره‌وری آب در کلیه بخش‌های مصرفی با مدیریت تقاضا و تأمین سرمایه

در انتها به استحضار نمایندگان محترم می‌رساند که نتایج حاصل از این آسیب‌شناسی در جلساتی به اطلاع آقای علی‌آبادی وزیر محترم نیرو و آقای پورمحمدی رئیس محترم سازمان برنامه و بودجه کشور رسانده شده است که با موافقت ایشان، اکنون کارگروهی مشترک با حضور نمایندگان از وزارت نیرو، وزارت جهاد کشاورزی، سازمان برنامه و بودجه کشور و این کمیسیون، در محل سازمان برنامه در حال برگزاری است. هدف این کارگروه به نتیجه رساندن یافته‌های آسیب‌شناسی در قالب بازنگری رویه‌ها و ضوابط جاری می‌باشد.

کمیسیون خود را متعهد می‌داند فرآیند بازنگری را تا حصول نتیجه دنبال نموده و در این راستا هر ۶

ماه یک بار گزارش پیشرفت کار را به استحضار نمایندگان محترم مجلس برساند.

نصراله پژمان‌فر

رئیس کمیسیون